5شنبه 11/11/1403-29رجب1446-30ژانویه 2025-درس 21 تفسیر ترتیبی مدیریتی قرآن کریم - روش القاء مهارت مدیر در برون برد از بحران

[سوره الأنعام (6): آيات 63 تا 64]

قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعاً وَ خُفْيَةً لَئِنْ أَنْجانا مِنْ هذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (63) قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْها وَ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ (64)

بگو: شما را از تاريكيهاى خشكى و دريا چه كسى نجات مى‏دهد؟ شما او را با تضرع و در نهان ميخوانيد و مى‏گوييد: اگر ما را از اين تاريكيها نجات دهد، از سپاسگزاران خواهيم بود.

بگو: خداوند شما را از آن تاريكيها و از هر اندوهى نجات مى‏دهد. آن گاه شما شرك مى‏آوريد.

قرائت‏

خفية: ابو بكر از عاصم بكسر خاء و ديگران بضم خاء خوانده‏اند (همين اختلاف در سوره اعراف نيز هست) برخى گفته‏اند: اين دو قرائت يكى هستند. برخى هم اين كلمه را «خيفة» خوانده‏اند و در اين صورت از ماده خوف است. شاعر گويد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| فلا تفعلن على زخة |  | و تضمر فى القلب و جدا و خيفا |
|  |  |  |

يعنى: نبايد با خشم و غضب بنشينى و در دل خود محبت و ترس نهان دارى ينجيكم: يعقوب و سهل اين كلمه را بدون تشديد و ديگران با تشديد خوانده‏اند.

در قرآن كريم هر دو بكار رفته است.

مثل: «فَأَنْجَيْناهُ وَ الَّذِينَ مَعَهُ‏: (اعراف 72) و «نَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا» (فصلت 18) لئن أنجانا: اين، قرائت كوفيان است. اما برخى از قراء «لئن انجيتنا» خوانده‏اند. هر دو قرائت صحيح است.

در مورد «ينجيكم» در آيه بعد نيز ميان قراء اختلاف است.

اعراب‏

تدعونه: حال‏ لَئِنْ أَنْجانا: حال‏ تَضَرُّعاً وَ خُفْيَةً: حال.

مقصود

قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ: اى محمد، به اين كافران بگو: چه كسى شما را از شدائد و سختى‏هاى خشكى و دريا نجات مى‏دهد؟ اين معنى از ابن عباس است. زجاج مى‏گويد: عرب بروزهاى سخت و دشوار مى‏گويد:روز تاريك! حتى گاهى مى‏گويد: روزهاى ستاره‏دار! يعنى ظلمت بحدى رسيده است كه همچون شب تاريك ستاره‏ها آشكار شده‏اند. شاعر گويد:

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| بنى اسد هل تعلمون بلاءنا |  | اذا كان يوم ذو كواكب اشهب‏ |
|  |  |  |

يعنى: اى بنى اسد، آيا ميدانيد كه در روزهاى سخت و تاريك كه ستاره‏ها ظاهر ميشوند، ما چگونه گرفتاريم؟

برخى گفته‏اند: منظور ظلمت شب و ظلمت ابر و ظلمت بيابان و سرگردانى در صحرا و درياست كه همه را بصورت جمع بكار برده است.

تَدْعُونَهُ تَضَرُّعاً وَ خُفْيَةً: شما در اين موارد، خدا را در آشكار و نهان مى‏خوانيد.

برخى گويند: يعنى خدا را از روى اخلاص بزبان و قلب ميخوانيد. اين معنى بهتر است.

لَئِنْ أَنْجَيْتَنا مِنْ هذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ‏: در حالت سختى و محنت بدرگاه خدا عرض مى‏كنيد: اگر ما را از اين گرفتارى نجات دهى، از سپاسگزاران نعمتهاى تو خواهيم بود.

از اين آيه بر مى‏آيد كه مستحبّ است انسان در حال دعا بزبان خود تضرع كند و در دل اخلاص و خضوع و خشوع داشته باشد. از پيامبر گرامى روايت است كه:

«خير الدعاء الخفى و خير الرزق ما يكفى»

يعنى: بهترين دعا، دعاى پنهانى و بهترين روزى، آن است كه براى انسان كافى باشد. روزى از كنار دسته‏اى مى‏گذشت كه: صداى خود را بدعا بلند كرده بودند. فرمود: شما: بدرگاه كسى كه كر و غايب است دعا نمى‏كنيد. خداوند شنوا و نزديك است.

قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْها وَ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ‏، اى محمد، به اينها بگو: خداوند براى شما اسباب نجات و فرج فراهم مى‏كند و شما را از آن گرفتاريها و شدايد و بطور كلى از هر ناراحتى نجات مى‏دهد و غم شما را مى‏برد. اما همين كه احساس راحتى كرديد و خلاص شديد، چيزهايى را كه قادر بر نجات شما نيستند، شريك خدا قرار مدهيد. اين شرك گاهى آشكار و هويدا است. گاهى هم پنهان است و تشخيص آن نيازمند دقت است. ‏[[1]](#footnote-1)

تفسیر مدیریتی

روش القاء مهارت مدیر در برون برد از بحران

یکی از مهارت های مدیران برون رفت وبرون برد از بحران هاست سازمان و کارکنان گاهی دچار مشکل میشوند دچار تهدید و بحران میگردند در ابعاد گوناگون اقتصادی ،امنیتی ،بهره وری ،سیاسی ،اخلاقی و .... مدیر باید عامل نجات باشد حیران نشود در مساله حل نشود بلکه مساله را حل کند توانایی و دانایی و دارایی لازم را داشته باشد تا بیرون بیاید و بیاورد از بحران ها . همکاران و کارکنان او هم باید از این مهارت مطلع باشند به گونه ای که اگر از آنها سوال شود چه کسی شما را از بحران میرهاند بگویند که شما ما را میرهانی یعنی مهارت او اینقدر آشکار و بارز باشد که همگان اعتراف به دانایی و توانایی او در این مورد داشته باشند به گونه ای که به مقامات تحت امرش دستور دهد قُلْ که پیمایش و پرسش کند از سازمانیان که چه کسی شما را از بحران نجات میدهد مَنْ يُنَجِّيكُمْ ؟بگویند مدیر کل ما ،مقام عالی ما چنین قدرتی دارد . البته مامور به چنین پرسشی مامور به پاسخ هم هست مثلا اگر کارکنان این حقیقت را ندانستند یا ابا کردند یا انکار کردند به هر دلیل ،مامور به پرسش و پاسخ از سوی مدیر عالی خود پاسخ دهد قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ که فقط خداست که مدیر اصلی و مدبر هستی است و مدیران تابع او میتوانند نجات بخش شما از ورطه سقوط و هبوط باشند . این پرسش و پاسخ فوائدی و منافع و مصالحی دارد که همگان را انگیزش ایجاد میکند و درجه التزام آنان را بالا میبرد و باعث آرامش خاطر آنان میشود که با دلگرمی به وظائف خود ادامه دهند و نگران و خائف از حوادث غیر مترقبه نباشند که بنالند در آن هنگام که چه کسی ما را از این ظلمات کامل و جامع که هر خشک و تر را گرفته است و کسی کسی را نمیشناسد و پیش بینی هم نمیکردیم و بر سرمان آمد حال چه کسی است مارا نجات دهد مِنْ ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ که اگر نجات دهد شاکر میشویم قدر میدانیم خوب کار میکنیم قدر نعمات را میدانیم اسراف و اتراف نمیکنیم بهره ور و اثر بخش میشویم کارآ و کار آمد میشویم روز آمد و شد آمد میشویم و.... لَئِنْ أَنْجانا مِنْ هذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ این گونه ادعا و دعا را در حال علنی با تضرع و ناله و طومار و مطالبه اظهار میکنند یا با حالت خفیه و ترس و یا مخفی و پنهان در خصوصی میگویند تَدْعُونَهُ تَضَرُّعاً وَ خُفْيَةً . میگویند هر کس ما را نجات دهد چاکر و شاکر او خواهیم شد لَئِنْ أَنْجانا مِنْ هذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ. حال مامور به پرسش میپرسد که قبل از آنکه به آن حالات مضطربانه و ملتمسانه برسید و چنین تضرعاتی از شما سر بزند باید بدانید چه عامل نجاتتان کیست تا از همین الان وقبل از وقوع حادثه تابع وشاکر او باشید که صادقانه خواهد بود و الا موقع بحران طبیعی است که به دامان ناجی چنگ زنید ولی چه سود .

در مقام پاسخ مامور پرسش مامور پاسخ هم هست میگوید (قبل از بحران) که ناجی شما از آن وضعیت تاریکی متراکم و چند بعدی و چند ضلعی فقط خدا ست که مالک و مدبر شماست قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْها وَ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ و هرکه را او چنین قدرت و دانش و دانایی و مشروعیت و شایستگی عطا کند او هم با نیت ربوبی عامل نجات بخش شما خواهد بود . از هر بحرانی و حوادث واقعه ای بر اشخاص حقیقی و حقوقی را حریف خوهد بود . خوب است آخر بین باشید که مرد آخر بین مبارک بنده ای است از همین اکنون به فکر باشد او را بشناسید ناجی خود را از هر کرب و اندوه من کل کرب که نتیجه طبیعی کردار خودتان است را بشناسید تا از همین حالا مشمول نجات او باشید از هر مخمصه ای . علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد . قبل از آنکه آن موقع فریاد کنید با شکر ادعایی از هم اکنون شرک خود را بزدایید ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ و رقیب تراشی نکنید برای ناجی اصلح خود . چرا شرک دارید الان وشکر دارید در بحران آنهم ادعایی و بی تضمین . نه شرک اکنون ونه شکر موقع بحران هیچ کدام ثمر بخش نیست و اثر بخش نیست شرک باعث هلاکت شماست از لحاظ هویتی و باطنی و شکر ادعایی هم تحت تاثیر شرائط بحرانی است و هیچ ارزشی ندارد نه شرک خفی و جلی داشته باشید و نه شکر تضرعی و خفیه ای و غیر حقیقی بلکه الان شکر کنید و قدر مدیر اصلح را بدانید وشکر قبل از بحران شکر حقیقی است و حاکی از عدم شرک است و همین ناجی شماست اعتقاد به ناجی حقیقی،منجی حقیقی هم هست فافهم .

برای مطالعه

[سوره الأنعام (6): آيات 65 تا 67]

قُلْ هُوَ الْقادِرُ عَلى‏ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعاً وَ يُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآياتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ (65) وَ كَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَ هُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (66) لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ (67)

بگو: خداوند قادر است كه عذابى از بالاى سر يا زير پاى شما بسوى شما بفرستد يا اينكه شما را بصورت فرقه‏هايى در هم آميزد و بعضى را از سطوت و هيبت بعضى بچشاند بنگر كه چگونه آيات خود را يكى پس از ديگرى ظاهر مى‏كنيم. شايد بفهمند.

قوم تو قرآن را كه حق است تكذيب كردند. بگو: من مراقب شما نيستم.

هر خبرى را وقت وقوعى است و بزودى خواهيد دانست.

1. طبرسى، فضل بن حسن، ترجمه تفسير مجمع البيان، 27جلد، فراهانى - ايران - تهران، چاپ: 1. [↑](#footnote-ref-1)